

امروز صادق طباطبائی- دیروز مهندس غرضی
سخنگویان عوض می شوند
اما تبلیغات علیه حزب توده ایران
پیوسته یکسان بوده است

تبلیغات، بهانه و زمینه سازی برای یورش به حزب توده ایران 6 دهه یکسان بوده است. چه در دولت مصدق، چه در دولت بازرگان و چه در سال های پس از دولت موقت بازرگان. انگلیس و امریکا پیوسته حکومت های وقت را از حزب توده ایران و کودتای کمونیستی ترسانده اند و نیروی ارتجاعی و وابسته در داخل کشور نیز روی همین بهانه و تبلیغات مانور داده اند. برای کشاندن نیروهای مذهبی به دنبال این سیاست نیز، پیوسته از بی دینی و مذهب ستیزی توده ای ها تبلیغ کرده اند. حال آنکه، همه این ها فقط بهانه بوده است. آن دلیل و انگیزه اصلی برای سرکوب حزب توده ایران، پیوسته در این دهه ها، برنامه های اقتصادی، مردمی و تلاش برای ارتقاء سطح دانش و فرهنگ توده های مردم بوده است. نه تنها در تمام سال های منجر به کودتای 28 مرداد، نه تنها در سال های پس از کودتا و تا انقلاب 57، بلکه در همان سال های اول پیروزی انقلاب نیز همین تبلیغات و سیاست از خارج و در داخل کشور دنبال شد. اکنون نیز همان است. دیروز در جمهوری اسلامی امثال مهندس غرضی طرح ضرورت یورش سریع به حزب توده ایران را تهیه کرد و عسگر اولادی دلائل انگلیسی آن را از پاکستان با خود به ایران آورد و امروز نیز، همزمان با رسوائی شعارهای حکومت مستضعفان و خیز بلند جنبش کارگری برای بازسازی سندیکاها، مستقل و رشد سازمان ها و انجمن های غیر دولتی، یکبار دیگر همین کارزار تشدید شده است. سخنگویان و طراحان عوض می شوند، اما اصل این سیاست تبلیغاتی تغییر نمی کند. به مصاحبه های اخیر صادق طباطبائی که سایت بازتاب با آب و تاب آن را منتشر می کند مراجعه کنید. دقیقاً همین خط انگلیسی- امریکائی دنبال می شود. سخنگویان این ستیز و تبلیغات در هر دورانی انتخاب می شوند. امروز صادق طباطبائی را بدلیل کینه ای که بر سر افشای حمل تریاک به اروپا توسط حزب توده ایران در دل دارد جلو انداخته اند. در سال های قبل از 28 مرداد سیدمهدی میراشرافی را، در سال های اول جمهوری اسلامی مهندس غرضی را. مهره را انگلیس و امریکا برای پیشبرد این جنگ روانی در جامعه علیه حزب توده ایران انتخاب کرده و به میدان می فرستند. رسوا که شد، گلائیاتور دیگری را روانه میدان می کنند.

آنچه که بعنوان سند در این شماره راه توده می خوانید، مطلبی است که در خواندنی ها، جدی ترین نشریه طرفدار دربار و انگلیس در سال 1330 منتشر شده است. مضمون آن شباهت کاملی دارد با آنچه که در سال های قبل از یورش به حزب توده ایران دنبال شد. پریروز مصدق را از کودتای توده ای ها می ترساندند، دیروز آیت الله خمینی را از کودتای توده ای ها و ورود ارتش سرخ (به سبک افغانستان) به ایران و اکنون نزدیک به دو دهه است، در عین اعلام مرگ و انحلال حزب توده ایران، از این شبخ زنده سیاسی برفراز هر جنبش اجتماعی در ایران وحشت دارند. پای صحبت صادق طباطبائی در کنار منقل می نشینند و در بازتاب منتشر می کنند و در محفل قتل و جنایت همین وظیفه به نوعی دیگر برعهده حسین شریعتمداری و کیهان گذاشته می شود.

مقاله خواندنی ها را بعنوان یک سند در باره آنچه در بالا آورده شد بخوانید:

آمریکا و انگلیس برای سقوط مصدق

دست بدست هم داده اند.

آیا در غیاب شاه زمینه کودتائی در تهران فراهم شده بود؟ اختلاف آمریکا و انگلیس بر سر دکتر مصدق چگونه از میان رفت - آمریکا نگران کفرانس اقتصادی مسکو است - آیا روز اول ماه مه (پارزه اردیبهشت) اغتشاشات پر دامنه ای در تهران روی میدهد؟

بنیستی که دولت مصدق پس از لایحه ملین مابین قضیه نفت در آن گرفتار شده، به نقطه زمینه یک بحران اقتصادی خطرناک را در این کشور فراهم ساخته است، بلکه موجب بروز یک بحران سیاسی در روابط خارجی ایران گردیده و ادامه این وضع ممکن است کم کم ایران را به جنبه مخالف دول غربی بکشاند و با این کشور را بصورت یک کشور «متزوی» درخاور میانه درآورد.

روابط سیاسی ایران با دولت انگلیس از یک سال پیش باین طرف که قانون ملی شدن نفت به تصویب رسید و به تیرگی گذاشت و این تیرگی روابط دو روز بروز بیشتر شده است، هنگامیکه این تیرگی روابط بین طنین آغاز گردید ایران، دوستی آمریکا و پشیمان روسیه امیدوار بود، ولی حالا روابط ایران و آمریکا نیز دو جانبه تیرگی افتاده است و فقط روسها هستند که هنوز حکومت مرموز خود را دست ندهاده اند.

روابط ایران و آمریکا از موقعی که «گره‌ی» دوست و مشاور صیسی دکتر مصدق از ایران رفت رو به - تیرگی نهاد. «هندرسن» سفیر کبیر جدید آمریکا از انگلوفیل‌های مشهور وزارت امور خارجه آمریکا بود که بعضی ورود با ایران در صدد نزدیک کردن دکتر مصدق به انگلیسها و تحویل نظریات انگلیس به دولت

ایران بر آمد و از همان ابتدا عدم اعتناء و سوء ظن دکتر مصدق را بطور جلب نمود. قضیه کنگ نظامی امریکا با ایران پیش آمد و مخالفت دکتر مصدق با قبول شرایط این کنگ، باعث قطع کنگ مزبور شد.

موضوع مستشاران نظامی امریکا موجب تشدید اختلافات گردید، مصدق با استخدام مجدد آنها در ارتش ایران مخالفت نمود و سفیر آمریکا با توسل به دربار آنها را در ایران تکیه داشت.

آزاد بودن جمعیت ها و احزاب دست چپ و توسعه فعالیت آنها عامل و اثر دیگری در تغییر سیاست امریکا بپایان در ایران بود. شکست وجود کوشش های فوق العاده امریکاها، آمریکا را یک قدم دیگر با انگلستان نزدیک کرد و ابراز خوشحالی ایمن از شکست مذاکرات بانک جهانی در مجلس عوام انگلیس بواسطه همین موضوع بود.

اساس اختلاف انگلیس و امریکا بر سر دکتر مصدق این بود که انگلیسها میکنند باید پسر و پوله ای شده حکومت مصدق را ساقط کرد تا پس از او یک دولت طرفدار انگلیس و آمریکا بر سر کار بیاید، ولی امریکاییها منفذ بودند که سقوط مصدق با یک

کردنای کویشتی و روی کار آمدن حزب توده هم بران خواهد بود. این اختلاف اساسی اکنون بر اثر مرور زمان و وقوع حوادث، مضافه از میان رفته و سیاست امریکا در ایران پیرو سیاست انگلستان شده است. امریکاییها امروز در ایران سیاست «تخفیف مصدق» را در پیش گرفته اند و برخلاف سابق از سقوط او نیز و اطمینان ندارند، زیرا وقایع جاری بآنها ثابت کرده است که حزب توده و عناصر دست چپ قدرت در دست گرفتن حکومت را در ایران نوازند و این دکتر مصدق است که برای حفظ موقعیت خود آنها را نگاهداری و تنویر میکند.

بیست و هشتم مارس (۸ فوروردین) در تهران اغتشاشاتی روی داد که ممکن بود نتایج مهمی در پی داشته باشد، ولی تا اواخر قریب دکتر مصدق بقیه هائی را که برای تغییر اوضاع کشیده شده بود، برهم زد. روزیکه این واقعه روی داد شاه در شمال مشرفول استراحت بود، در محال مطلع سیاسی تهران میکوشید که شاه در شمال منتظر تغییراتی در پایتخت بود، ولی اغتشاشات تهران تا آن درجه توسعه یافت که مانند اغتشاشات قاهره زمینه مناسبی برای معزول کردن نخست وزیر و استعفاء یک زمامدار مقتدر بدست بدست مصدق حکومت نظامی اعلام

بقیه در صفحه ۲۴

آمریکا و انگلیس برای سقوط مصدق

بقیه در صفحه ۳

کرد ولی تا روزنامه های دست چپ توفیق شد و نه جمعیت های وابسته به حزب توده منعزل گردید و این ترتیب وضع سابق بر جای ماند، جالبتر از همه اینکه این حکومت نظامی یکباره دوری خانه برپا شود که قزاق آن روز اول مساء ۱۰، میدان بین المللی کارگران است. وحشی لیست کاو در این روز عناصر دست چپ تظاهرات مهم دیگری برپا خواهند کرد و قدرت خود را یکبار دیگر نشان خواهند داد. در همین حال کفرانس اقتصادی مسکو و شرکت «وئر ایران» در این کفرانس موجبات ناراحتی دولت آمریکا از ایران فراهم آورده است و سفیر آمریکا در تهران، در ملاقات های خود با مقامات درباری ملتا هم رضایت خود را از سیاستی که دکتر مصدق در پیش گرفته، ابراز داشته است. ولی دکتر مصدق حاضر نیست که تسلیم مانور های سفیر آمریکا بشود، او یک انقلاب کویشتی را در ایران به تحفید نفوذ انگلیس ترجیح میدهد، و گفته است که اگر فشار انگلیس و آمریکا و حکومت مسکو است او بشود پس از آن جدا از عناصر دست چپ حمایت خواهد کرد.

بقیه دکتر مصدق پشتیبانی آمریکا از سیاست انگلیس در ایران شعار مسلط کولیسم را در ایران بیشتر شواهد کرده و هر چه فشار اقتصادی دول غرب در ایران بیشتر شود، ایران خواه ناخواه به بلوک شرقی نزدیک خواهد شد.